ظن

مطلق وجود وقوع تعبد عقلی یا شرعی به ظن

ظنون معتبر ظنونی که از تحت اصل خارج شده اند

خبر واحد

حجیت خبر واحد

ادله قائلین به حجیت خبر واحد

اصول

مطالب شیخ در تنبیس حجیت خبر واحد به واسطه اصول شش تصور و اصل مسطحه

تقریر اول: اصول در مطلق سه مرحلی و ادراج سه که انحاءی سلب قطعی می‌گردند و می‌گفتند خبر ما هیچ وجه حجیت نیست این اصول از دو راه قابل تحصیل است

تقریر دوم: بعضی گفته‌اند سه مرحلی که به خبر ظنی عمل نمی‌کند به عقلی این است که باب علم مفتوح است اگر در زمانی باب قرآن مفتوح علم هست شاید مفتوح حتی سه مرحلی و آنجاع سه به تصریح خودشان به دلیل ظنی و حتی عمله خبر واحد ظنی عمل می‌کنند و دلیل ظنی را معتبر می‌دانند

تقریر سوم: سیره متشرعان در استنباط از احکام شرعیه، رجوع به خبر ثقه بوده است. مثلا ثقه وکیل به است کوفی فتوای معتبره به او نقه رجوع میکنند

تقریر چهارم: هر سیره عقلائی که رعایت شارع را به آن سیره کشف کنیم از بنای عقلاء و سیره‌ای با حجیت خواهند بود و از آنجایی که سیره عقلاء بر عمل به خبر ثقه می‌باشد و شارع با ردّ این سیره مهر تأیید نزده، بنابراین رعایت، کشف مدلول قطعا

اشکال شارع با ایات ناهی از تبعیت ظن مدالّ از تبعیت ظن بهی لزوم است و البته خبر واحد هم دلیل ظنی است

اشیخ ریخهم محاطبه پیامبر بالاجماع و بالاتفاق به خبر واحد عمل می‌کردند و پیامبر هم هیچگاه این مسأله را انکار و ردع نفرمودند. بنابراین ما با این اجماع حتی سیره که خبر واحد بلد حجیت باشد و اگر پیامبر محاطبه را از عمل به خبر واحد منع می‌فرمودند

شیخ دلیلی ندارد که انحاءات حقیقی مثل سلسل و اجوار به خبر واحد عمل می‌کردند و پیامبر هم هیچگاه این مسأله را انکار و ردع نفرمودند. بنابراین ما با این اجماع حتی سیره که خبر واحد بلد حجیت باشد و اگر پیامبر محاطبه را از عمل به خبر واحد منع می‌فرمودند

تقریر ششم: امام خمینی شیخه عقلی سیره مرحلی و انتزاع سیره مرحلی به کتب معتبره و صحیح شیخه مراجعه می‌کنند و به بازیافت این کتب عمل می‌نمایند. از عمل آنها استنباط می‌کردیم که بازیافت این کتب حجیت می‌باشند

شیخ انصاری

اشکال اول: بازیافتی که همه عامله به آن عمل کرده باشند مفید است ولی تعامه چنین بازیافتی نداشتیم

اشکال دوم: این بازیافت برای ما حجیت نیست زیرا راهی برای ما حجیت است که حالات عمل عامه از مأمومین و عمال، حالات را که هم قبول داشته باشیم

به عبارتی در بحث عمل به بازیافت جهت عمل متعلقین نیست، سیره مرحلی به دلیل محفوظ به قرینه بودن به این اکمال عمل میکنند. شیخ طوسی، به دلیل اظن ظنی بودن و مناسب قوانین به دلیل اظن مطلق، قطعا قابل بحث دلیل بود قبول نکنند. مرحله عمل اصحاب می‌تواند حالات حجیت باشد

تتیجه عمل کردن به خبر واحد که تدریج است و نه موجب خارج یک اصلی از اصول می‌باشد. پس آیات و بازیافت عمل کردن به این چیس ظنی را هم در می‌باشد زیرا حالات حرمت ایجاد وجود ندارد. بلکه جایز می‌شود

اصول عملی عقلیه ادراکات و اعتبار و تعمیر: حجیت این اصول به عقلی عقلی است و حجیت خبر نقه عبه به عقلی عقل و بنا عقلاء است و لا زمانی که دلیل معتبر داشته باشیم هیچ یک از اصول عقلی جایز می‌شود

اصول عملیه شامله برائت و احتیاط و استصحاب

اصول عملی شرعی (استصحاب) اگر استصحاب دلیل عقلی باشد یا وجوه خبر نقه نیست به استصحاب نمی‌رسد اگر اصل استصحاب دلیل شرعی باشد حجیت استصحاب به خبر ثقه است فقط خبر ثقه نمی‌تواند نقلی خبر ثقه باشد

اصول عملیه شامله برائت و احتیاط و استصحاب

اصول عقلیه شامله ادراکات و اعتبار و تعمیر

اصول بر دو قسم است

عمل به ظن: طرح اصول عملیه و قطعیه معتبر است

عمل به ظن سبب تدریج است

تمسک کردن به خبر ثقه تدریج نیست زیرا سیره و بنا عقلاء سر اکمل عقلی عقلا است و حکم عقل بر نزوه تدارج حجیت است

حواب: عقلا آیات ناهی از عمل به ظن بر دو امر منحصر است